

آرین و راه‌های نرفته

حسن لطفی

اگر بپذیریم [سینمای ایران](#) نیاز به تنوع داستان، ژانر و فیلم‌های متفاوت دارد، آرین وزیر دفتری در فیلم اولش ([بیرویا](#)) قدم بزرگی در این راه برداشته و فیلمی متفاوت ساخته است. فیلمی که با روایت نه تنها دنیایی با ثبات نمی‌سازد، بلکه موضوع مورد علاقه فیلمسازانی مثل [بهرام بیضایی](#) (هویت) را به شکلی به تصویر می‌کشد که بیننده دچار ابهام، تردید و سردرگمی می‌شود. سردرگمی که با در نظر گرفتن کپشن آخر فیلم به بیماری اسکیزوفرنی، شخصیت اصلی فیلم با بازی طناز طباطبایی مرتبط است. در چنین حالتی (در نظر گرفتن این متن که به گفته یکی از بازیگران، تحمیلی است و وجودش، تنها برای راضی کردن حضرات تصمیم‌گیر برای ورود به جشنواره است) فیلم دچار نقصانی بزرگ در مورد روند وقایع می‌شود، چراکه در آن صورت باید

به دنبال منطقی روایی و شخصیتی باشیم که تکیه بر خصوصیات افراد اسکیزوفرن دارد. خصوصیات که بخش‌های ابتدای فیلم را بر نمی‌تابد و ربطی به جابه‌جایی آدم‌ها ندارد. در چنین حالتی فیلم تبدیل به اثری با فیلمنامه‌ای به هم ریخته می‌شود که نتوانسته موضوع روانکاوانه‌اش را در داستان به درستی بیان کند. اما در صورت حذف این کپشن، با فیلمی روبه‌رو می‌شویم که مرز خیال و واقعیت را به گونه‌ای جابه‌جا می‌سازد تا بیننده وارد دنیایی شود که اطمینانی برای درست بودن هیچ یک از اتفاقاتش وجود ندارد. دنیایی که از موقعیت با ثباتش جدا شده و به شرایط تردید، رمز و راز، ابهام، ایهام و... رسیده است. دنیایی که مخاطب را گیج و سردرگم و آشفته و دل‌آشوب می‌کند. همه اینها هم نتیجه تلنگری است که فیلم به باورهای قالبی و شکل گرفته او زده است. تلنگری که ممکن است برای مخاطب خو گرفته به داستان‌های سراسر و قصه‌های همیشگی خوشایند نباشد، (البته این فقط یک حدس است و ممکن است بیننده خسته از داستان‌های سراسر به فیلم اقبال نسبی نشان دهد) اما وقتی تهیه‌کننده، نویسنده و کارگردان ریسک ریزش احتمالی مخاطب را پذیرفته‌اند بهتر است به خواست و دنیایی که خلق کرده‌اند احترام بگذاریم و برای بینندگان دایه مهربان‌تر از مادر نشویم و با نوشته‌ای به بیننده کد اشتباهی ندهیم. بدون رویا بدون آن نوشته فیلم مهمی در جشنواره چهلیم است. فیلمی است که نشان می‌دهد سینما دامنه وسیع‌تری برای روایت و داستان‌پردازی و خلق موقعیت دارد. بدون قرار قبلی ساخته بهروز

شعبي برخلاف بيرويا حكايت از روياي تازه‌اي ندارد. استحاله فيلم بيرويا جاي خودش را به تحولي داده است كه با شناخت در شخصيت آغاز ميشود. تحولي كه تكرارش در سينما باعث نشده تا از جذابيت اين الگو كم شود. البته اين به معنای جذابيت فيلم بدون قرار قبلي و همه فيلم‌هايي نيست كه داستان‌شان را به چنين الگويي پيش مي‌برند. بهروز شعبي در بدون قرار قبلي لحظات جذاب كم ندارد اما هر جا كه در مقام يك فيلمساز تبليغ‌كننده قرار مي‌گيرد، اين لحظه‌ها كم‌رنگ ميشود. شايد اگر به اين جمله فلوير كه حضور نويسنده در اثر همچون خداوند در هستي است قادر متعال و ناپيدا عمل کرده بود فيلم تاثير بيشتر و داستان جذاب‌تري پيدا مي‌کرد. او به خوبي مي‌توانست بر موج علاقه بينندگان به امام رضا(ع) به گونه‌اي سوار شود كه نه داستان سفارشي از بيرون به نظر برسد و نه نياز به تاكيدات غير دراماتيک داشته باشد. مشكلي كه اگر درست نگاه كنيم به بيشتر فيلم‌هاي با مضمون بدون قرار قبلي ضربه زده است. ناگفته نماند بازي‌هاي آخرين ساخته شعبي بازي‌هاي نسبتاً خوبي دارد و موسيقي متنش با استفاده از تم موسيقي خراسان از نقاط مثبت فيلم شده است.